

تأثیر بازدارندگی اخلاق اسلامی در ایجاد فضای امن شهری

مجتبی عطارزاده*

چکیده

افزایش شهرنشینی در دنیای جدید و تمرکز بزهکاری در این مناطق، میزان آسیب‌پذیری شهروندان در برابر عوامل محیطی را افزایش داده است. این نوشتار بر آن است تا تأثیر آموزه‌های اخلاق اسلامی در ایجاد امنیت محیط شهری را که با اهتمام به تقویت بازدارنده‌های درونی و تأکید بر رعایت حقوق انسانی، پیشگیری کارآمدتری را در مقایسه با راهکارهای فیزیکی و برخورد‌های پلیسی در تأمین امنیت شهری سبب می‌شود به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی - تحلیلی از نوع کیفی که داده‌های آن از طریق فیش‌برداری جمع‌آوری شده است، واکاوی کند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد اهتمام به تقویت باورهای اسلامی مبتنی بر خودکنترلی از طریق تحکیم کرامت انسانی، می‌تواند به افزایش امنیت در شهرها کمک شایانی کند. این روش از رهگذر نظارت و رفع زمینه‌های جرم‌زا (پیشگیری اولیه) و کاهش میزان ارتکاب جرم توسط افراد بالقوه واقع در معرض آسیب‌های اجتماعی (پیشگیری ثانویه) سبب رعایت حقوق دیگران در زیست شهری می‌شود.

واژگان کلیدی

شهر، امنیت، آموزه‌های اخلاقی، کرامت نفس، اسلام.

مقدمه و طرح موضوع

امنیت به‌عنوان حقی بنیادین و پیش‌نیازی برای زیست سالم بشری بر اساس تئوری نیازها در هرم مازلو (روان‌شناس آمریکایی)، در جایگاه بعد از نیازهای فیزیولوژیک انسان قرار گرفته است (مازلو، ۱۳۷۶: ۴۳). تجمع گروه‌های نامتجانس انسان‌ها در کنار یکدیگر طی زیست شهری که زمینه بروز مشکلاتی نظیر ناامنی را فراهم می‌آورد، توجه به مقوله امنیت در زندگی شهری را ضرورت می‌بخشد. شهرنشینی مستقیماً به ناامنی نمی‌انجامد، بلکه این زندگی شهری است که می‌تواند زمینه‌ساز کج‌روی باشد. شهرها در عین حال که بهترین خدمات اجتماعی موجود را در خود جای داده‌اند، در همان حال بسیاری از معایب اجتماعی را در بطن خود می‌پروراند که قتل و جنایت و ناآرامی‌های اجتماعی از آن جمله است (غفاری، ۱۳۹۰: ۴۷). وجود شرایط مختلف در شهرها از قبیل جمعیت و تراکم زیاد در بافت‌های کالبدی فرسوده، وجود مهاجرانی با فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف، تعداد زیاد مردان جوان و مجرد و اختلاف طبقاتی از عوامل زمینه‌ساز جرایم شهری محسوب می‌شوند. شهرهای بزرگ باعث جذب مهاجران زیادی می‌شوند. با این حال، مهاجرت به تنهایی علت تامه انحراف و بزهکاری نیست، ولی اگر این مهاجرت با شرایط و زمینه‌های مساعد دیگری که در محیط اولیه کمتر فراهم است توأم و همراه شود، راه بزهکاری مهاجران هموار خواهد شد. مهاجرت باعث گسستن پیوندهای اجتماعی می‌شود و این امر نادیده گرفتن الزامات اجتماعی را در پی دارد و بنابراین مهاجران می‌توانند دست به اعمالی بزنند که قبلاً از نظر آنان رفتار ضداجتماعی تلقی می‌شد. دشواری زندگی جمعیت مهاجر، اغلب جوان، بدون تخصص، بدون شغل و ناامید از آینده می‌تواند وجود خویش را از طریق اعمال خشونت‌بار به نمایش بگذارد (باستیه، ۱۳۷۷: ۱۳).

تشدید ناامنی در فضاهای شهری برنامه‌ریزان و طراحان را به فکر چاره‌جویی برای یافتن راهکارهایی برای تأمین امنیت در شهرها انداخته است تا با توجه به ساختار کالبدی فضاهای شهری و تدوین و اعمال ضوابط ویژه در آنها از طریق کاهش ظرفیت بالقوه طبیعی مناطق شهر در جرم‌خیزی یا امکان‌دهی به وقوع جرم، از تکوین جرایم شهری جلوگیری کرد، که رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی^۱ از جدیدترین و کارآمدترین این راهکارهاست.

به‌زعم برخی، تقویت مواردی در حوزه طراحی شهری یا معماری - چه در مقیاس شهری یا در حد پلان ساختمان - می‌تواند فضا را به‌گونه‌ای طراحی کند که سبب افزایش امکان نظارت عمومی یا

1. CPTED :Crime Prevention Through Environmental Design.

کاهش نحوه دسترسی به مناطق جرم‌خیز شود، اما آنچه در نیل به هدف مهم کاهش جرایم شهری می‌تواند در جامعه ما به‌ویژه تأثیر بسزایی داشته باشد، تلاش به‌منظور تقویت و پررنگ‌تر شدن عوامل معنوی و دینی با هدف تقویت نیروی بازدارندگی است.

باتوجه به نقش عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در بروز جرم‌خیزی و ناامنی فضاهای شهری، مطالعات و تجارب موجود گویای آن است که موضوع تأثیر سازکار آموزه‌های دینی در بُعد بازدارندگی مورد تأکید در اخلاق اسلامی و از جمله تقویت خودکنترلی در تأمین امنیت فضای شهری، کمتر مورد امعان نظر واقع شده است که بروز ناهنجاری‌های اجتماعی از یک سو و عدم توفیق سازکارهای متداول در ایجاد احساس امنیت شهروندان از سوی دیگر، از پیامدهای آن است. باتوجه به این نقیصه در فضای پژوهش‌های مربوط به امنیت شهری، سؤال اصلی این پژوهش آن است که «چگونه آموزه‌های اخلاق اسلامی به‌ویژه اصل کرامت انسانی با تقویت عنصر کنترل درونی می‌تواند از رهگذر ایجاد بازدارندگی، میزان ناامنی در فضای شهری را کاهش دهد؟»

بی‌تردید تلاش برای یافتن آموزه‌های اسلامی ناظر به امنیت‌مداری در فضای شهری به معنای ارائه دستورالعمل‌هایی درباره نوع مصالح ساختمانی یا ارتفاع آن‌ها یا سایر موارد مشابه نخواهد بود، بلکه مقصود از این بررسی آن است که دسته‌ای از اصول کلی راهنما برای جوینده پاسخی مناسب جهت ایجاد احساس امنیت در جوامع اسلامی امروز و فردا، استخراج گردد.

روش تحقیق

در سال‌های اخیر، تخصصی شدن گرایش‌های مختلف و نیز گسترش شاخه‌های علم، حوزه فعالیت‌های کالبدی در محیط شهری را از حوزه جامعه‌شناسی جدا کرده است، درحالی‌که به نظر می‌رسد استفاده از فصل مشترک‌های تخصص جامعه‌شناسی با برنامه‌ریزی و طراحی محیط می‌تواند ثمرات قابل‌توجهی داشته باشد. براین اساس تحقیق حاضر تلاش کرده است با اتخاذ یک نگاه میان‌رشته‌ای، تحلیل عمیق‌تری از ارتباط بین جامعه‌شناسی با فضای شهری به دست دهد. به این منظور، پژوهش پیش رو مبتنی بر یک روش‌شناسی توصیفی - تحلیلی، به بررسی مسائل محیط و منظر شهری از یک سو و امنیت عمومی از سوی دیگر پرداخته است و می‌کوشد به روش استدلال منطقی فصل مشترک‌های دو حوزه را بازشناسی کند. این نوشتار بر آن است که در راستای پاسخ به سؤال در خصوص چگونگی تأثیر آموزه‌های اخلاق اسلامی در ایجاد امنیت محیط شهری، صحت فرضیه «آموزه‌های اخلاق اسلامی با اهتمام به تقویت بازدارنده‌های درونی و رعایت حقوق انسانی از

طریق تحکیم کرامت نفس افراد، پیشگیری کارآمدتری نسبت به راهکارهای فیزیکی و برخوردی پلیسی صرف در تأمین امنیت شهری را سبب می‌شود» را واکاود. در این باره دو محور کلی بررسی می‌شود: الف) عوامل محل امنیت در محیط شهری؛ ب) زمینه‌های مؤثر در تحقق احساس امنیت شهروندان از رهگذر اقدامات پیشگیرانه با تأکید بر قواعد و شاخص‌های امنیت‌سازی در شهر یا جامعه شهری در اخلاق اسلامی مبتنی بر اصل کرامت انسانی در آموزه‌های قرآن. این دو در این پژوهش که اطلاعات آن به شیوه کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع معتبر گردآوری شده است، بررسی خواهد شد.

پیشینه و ادبیات پژوهش

ولی‌زاده اوغانی و همکار (۱۴۰۰) در مقاله «چالش‌های معماری و شهرسازی ایران از منظر اخلاق اسلامی (بررسی تطبیقی معماری سنتی و معاصر)» کوشیده‌اند به بررسی معماری و شهرسازی ایران از دیدگاه اخلاقی بپردازند. یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد یکی از تهدیدهای جدی معماری و شهرسازی معاصر ایران عدم توجه به ارزش‌ها و اصول اخلاقی است که معماری و شهرسازی سنتی بر پایه آن بنا شده بود. کم‌رنگ شدن اصول اخلاقی در معماری معاصر منجر به تهدیدهایی در زمینه‌های مختلف نظیر بحران زیست‌محیطی و انرژی شده و پیرو این بحران‌ها، زندگی و آرامش انسان نیز با مشکل مواجه شده است.

ملفت و همکار (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی رابطه دین‌داری و گرایش به جرم (مورد مطالعه: جوانان شهر دره‌شهر)» در تحقیق پیمایشی خود دریافته‌اند که بین ابعاد چهارگانه دین‌داری و گرایش به جرم در بین جوانان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. نویسندگان نتیجه گرفته‌اند که برای کاهش گرایش به جرم جوانان، باید در جهت ارتقای دین‌داری آن‌ها به‌خصوص در زمینه متغیر مناسکی، تلاش مضاعفی به عمل آید.

یدالله ملکی (۱۳۹۵) در مقاله «شهر و امنیت اجتماعی از منظر آموزه‌های دینی» با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی شهر و امنیت اجتماعی از منظر آموزه‌های دینی (قرآن و سنت) پرداخته و بر این اساس شاخص‌های کلیدی امنیت اجتماعی و شهر امن از منظر قرآن و سنت، اصول و عوامل تهدیدکننده و راهکارهای امنیت اجتماعی را بررسی کرده است.

ذاکری هامانه و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «نقش دین‌داری در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی (مطالعه‌ای در شهر یزد)» با هدف بررسی رابطه دین‌داری و میزان احساس امنیت اجتماعی در بین ساکنان شهر یزد با استفاده از روش پیمایشی، نتیجه گرفته‌اند که روحیه مذهبی و اعتقادات دینی نقش مهمی در

تبیین احساس امنیت افراد اجتماع خواهد داشت. از این رو، استفاده مطلوب از ظرفیت‌های دینی و روحیه مذهبی افراد موجب شکل‌گیری امنیت اجتماعی پایدار و در نهایت توسعه همه‌جانبه اجتماع خواهد شد.

قیوم‌زاده و همکار (۱۳۹۳) در مقاله «اخلاق‌مداری مبنای ارتقای حقوق شهروندی» آورده‌اند تقویت شهروندی به طور عام و اخلاق شهروندی به طور خاص می‌تواند راهی فرهنگی و مناسب برای پیوند دادن حوزه‌های حقوقی - سیاسی و اجتماعی به یکدیگر باشد. نویسندگان با ارائه پیشنهادهایی به منظور آگاهی و شناخت جامعه و فعال کردن مشارکت شهروندان در ترویج اخلاق شهروندی و نهادینه ساختن آن، سعی کرده‌اند در راستای احقاق حق شهروندی، گامی جدی بردارند و در جهت اجرای کامل حقوق شهروندی تلاشی مؤثر صورت دهند.

کلانتری خلیل‌آباد و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی» مؤلفه‌هایی همچون امنیت، عدالت اجتماعی، بهداشت و همسایگی بر اساس تعالیم اسلام و سوابق شهرسازی ایرانی اسلامی را از عوامل مهم در مباحث اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی اسلامی معرفی کرده‌اند، که می‌تواند به عنوان هدایت‌کننده و راهنمایی برای ایجاد فضاهای شهری اسلامی و ایرانی، افزایش کیفیت زندگی، افزایش تعاملات اجتماعی، مشارکت اهالی در محله، تحقق عدالت اجتماعی و شکوفایی اقتصادی استفاده شود.

تکلو و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «مکان‌گزینی فضاهای همگانی امن در محلات شهری با رویکرد چیدمان فضا (نمونه موردی: محله وردآورد تهران)» در یک پژوهش میدانی، اقدام به شناسایی شاخص‌های مؤثر بر امنیت در فضاهای همگانی محلات شهری در قالب پنج مؤلفه کالبدی، عملکردی، حرکت و دسترسی، ادراکی - معنایی و مدیریت شهری کرده‌اند. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد دو عامل «مدیریت شهری» و معیارهای مرتبط با «نظارت» در فضاهای شهری در تأمین امنیت شهری در اولویت قرار دارند.

در مطالعات پیشین راهکارهایی جهت کاهش ارتکاب جرم و در نتیجه تقویت احساس امنیت در زیست شهری نظیر بازگشت به سبک معماری سنتی (ولی‌زاده اوغانی و همکار)، تقویت دین‌داری جوانان (ملتفت و همکار)، ضرورت بررسی عوامل ناامنی اجتماعی از دیدگاه قرآن و سنت (ملکی)، اولویت دو عامل مدیریت شهری و نظارت (تکلو و همکاران) پیشنهاد شده است، اما در هیچ‌یک انجام این مهم با کاربست آموزه‌های اخلاق اسلامی از رهگذر اهتمام به استواری پایه‌های کرامت انسانی مورد تأکید قرآن کریم که هم‌زمان سبب امنیت‌سازی از طریق «خودکنترلی» و به دنبال آن

«دیگرکنترلی» می‌شود، اشاره نشده است، که نوشتار حاضر در راستای تکمیل فعالیت‌های پیشین به این مهم همت گماشته است.

مفاهیم پژوهش

۱. فضای شهری

فضای شهری مرکز فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شهرها بوده و گاه چنان با حیات جوامع انسانی عجین بوده است که خود آن به‌عنوان بخشی از تاریخ آن ملت‌ها و جوامع قلمداد می‌شود. در واقع، فضای شهری جزئی از ساخت شهر است «که از کلیت هماهنگ و پیوسته برخوردار بوده» و از حیث فیزیکی «دارای بدنه محصورکننده» است. فضای شهری را می‌توان به‌عنوان هویت معنایی و معنوی و ادراک معنایی و ذهنی انسان از شهر تلقی کرد که مشتمل بر ویژگی‌ها و اتفاقات و فعالیت‌ها و آداب و هنجارهایی است که در کلیت شهر به‌عنوان یک واحد می‌گذرد. به این ترتیب، مجموعه‌ای از ذهنیات و اتفاقات تاریخی، وقایع اتفاقیه، انتظارات و خاطرات که می‌توانند کلیات فضای شهر را به‌عنوان یک پدیده تعریف کنند، به نحوی فضاهای جزئی در شهر یا آنچه را که تاکنون فضای شهری نامیده شده است، تحت تأثیر قرار می‌دهند (نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷۲).

۲. امنیت شهری

امنیت نوعی احساس آرامش و آسایش درونی است که از مؤلفه‌های فعال محیط حاصل می‌شود و پس از ادراک ذهنی، احساس در امان بودن را در افراد به وجود می‌آورد. این احساس در امان بودن فرد از آسیب‌های بیرونی می‌تواند تحت تأثیر دو جنبه کالبدی و اجتماعی حاصل شود که جنبه کالبدی خود دربرگیرنده عناصر متعدد شکل‌دهنده شهر است. پس امنیت در فضای شهری از یک سو به وجود ایمنی در محیط و سازه‌های فیزیکی شهر و از سوی دیگر به جنبه اجتماعی آن برمی‌گردد. از همین رو، در تئوری‌های شهرسازی اجتماعی، حضور توأم با آرامش و امنیت شهروندان در مکان‌های عمومی شهر، به توازن بین کنترل‌های اجتماعی و امنیت و احساس ناامنی و... بستگی دارد. در مجموع این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که آسایش و آرامش و احساس رضایتی که شهروندان در نتیجه افزایش کارایی و مطلوبیت محیط و کالبد به دست می‌آورند، امنیت شهری تلقی می‌شود که این مهم جز از طریق برنامه‌ریزی دقیق، طراحی سنجیده و اعمال نظارت کافی و کارآمد بر فضای شهری، از طریق دیگری حاصل نمی‌شود (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۹).

۳. کرامت انسانی و امنیت شهری

برقراری امنیت در جامعه و کرامت انسانی رابطه‌ای متقابل دارند. عدم رعایت حقوق دیگران در زیست جمعی، از تحقیر و بی‌اعتبار ساختن انسان‌ها نشئت می‌گیرد و حفظ کرامت انسانی از پایه‌های اصلی فضای امن زیست بشر در جهان است. از همین رو، در نگاه اسلام، کرامت انسان محور و پایه‌ای محکم برای اخلاق، و عدم رعایت آن تعرض به انسانیت است. بنابراین، بهترین روشی که امنیت حداکثری بشر را تأمین می‌کند، رعایت ارزش‌های اخلاقی در همزیستی است. پایبندی به رعایت مبادی اخلاقی در تعامل با دیگران به‌گونه‌ای که حق حیات، کرامت، صیانت و رشد برای افراد به‌رسمیت شناخته شود، می‌تواند زیرساخت همزیستی امن را فراهم آورد. همزیستی امن مدنظر قرآن همزیستی اخلاقی است که عبارت است از: برقراری روابط با هر یک از افراد و گروه‌های اجتماعی بر مبنای ارزش‌های اخلاقی و با رویکرد تربیتی، که به هم‌افزایی فضایل اخلاقی می‌انجامد و از ترویج رذایل اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی جلوگیری می‌کند.

۴. اخلاق اسلامی و کرامت

علم اخلاق عبارت است از فنی که درباره ملکات انسانی بحث می‌کند؛ ملکاتی که مربوط به قوای نباتی، حیوانی و انسانی اوست. به این غرض بحث می‌کند که فضایل را از رذایل جدا سازد؛ یعنی این علم می‌خواهد معلوم کند که کدام‌یک از ملکات نفسانی انسان خوب و نیک و مایه کمال و فضیلت اوست و چه ملکاتی بد و رذیله و مایه نقص اوست تا آدمی بعد از شناسایی آن‌ها، خود را با فضایل آراسته سازد و از رذایل پیراسته شود و در نتیجه اعمال نیکی را که مقتضای درونی است انجام دهد تا در احتیاج انسانی ستایش عموم و ثنای جمیل جامعه را به خود جلب کند و سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۳۶۸). طبق این تعریف، خُلق را صورت ادراکی می‌دانند که در درون انسان جای‌گزین شده و در موقع مناسب جلوه کرده است و او را وادار به اراده و عمل می‌کند (همان: ۲۳۶).

آنچه در اخلاق اسلامی و به‌ویژه در عرصه اجتماعی آن به‌عنوان محور می‌تواند در نظر گرفته شود و به تعبیری آن نقطه از روح آدمی که اسلام بدان توجه کرده است تا اخلاق اجتماعی مسلمین را احیا کند، مسئله کرامت است. کسی که به وجود گوهر ارزشمندی چون تکریم اعطاشده از جانب پروردگار آگاهی یابد، از آن سخت مراقبت می‌کند. هرچه ارزش‌داری بیشتری و توجه انسان به ارزش آن افزون‌تر باشد، مراقبت و هوشیاری او در صیانت از آن گوهر بیشتر خواهد بود. فرد اخلاقی و ملتزم

به اخلاق با اعمال درست خود در هماهنگی کامل با اهداف بزرگ و نیازهای والای انسانی قرار می‌گیرد و احساس عظمت و آرامش می‌کند. مراعات مرزهای اخلاقی، گسترش امانت‌داری، ترویج مسئولیت‌پذیری، حفظ حیثیت و آبروی اجتماعی یکدیگر و دوری از رذیلت‌هایی که سبب ملوث شدن این گوهر ارزشمند شود، از نتایج حاصل از کرامت نفس افراد است.

۵. بازدارندگی اخلاق اسلامی

در نظام اخلاقی اسلام، نماد حقیقی شخصیت آدمی، کرامت انسان است و او بالقوه موجودی کریم و شایسته رسیدن به قرب الهی شناخته می‌شود. همچنین بر مبنای کرامت انسانی، هر کس باید با نگرستن به خود و دیگران از این دیدگاه و در نتیجه با حفظ شأن و منزلت خدادادی خویش و دیگران، همواره در راه کمال خود و جامعه تلاش کند و طوری حرکت کند که کرامت وجودی خویش را به کرامت ارزشی متصل نماید (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۵۰). با چنین رویکردی که بازدارندگی اخلاقی نسبت به رذائل و پلیدی‌ها برآیند آن است، جامعه‌ای مطلوب به لحاظ اخلاقی شکل می‌گیرد که امنیت فضای زیست شهروندان، حاصل احساس آرامش آنان خواهد بود.

تشدید احساس ناامنی در شهر مدرن با زوال اخلاق شهرنشینی

در معماری معاصر ایران برخلاف اصل تسلسل در معماری سنتی، اثری از عرصه‌بندی و سلسله‌مراتب و قلمرو خصوصی و عمومی بر جای نمانده است. یکی از ماندگارترین میراث مدرنیسم جای‌گزینی دیوارهای خارجی شیشه‌ای به جای دیوارهای معمولی است که موجب حذف مرزهای بین فضاهای داخل و خارج ساختمان شد و این باعث شد ماهیت خانه که گوشه‌ای امن و باعث سکینه و آرامش بود، متحول شود و نیل به احساس امنیت، آسیب جدی ببیند. امروزه باتوجه به نوع معماری واحدهای آپارتمانی و توسعه متراکم واحدهای مسکونی در شهرها، روابط همسایگی کم‌رنگ^۱ و از میزان امنیت و آرامش و توجه به حریم‌ها و غیره در شهر و واحدهای همسایگی به طور مشخصی کاسته شده است (ولی‌زاده اوغانی و همکار، ۱۳۹۵: ۵۵). برای مثال، رعایت عدم اشرافیت و دید به حریم

۱. یافته‌های توصیفی تحقیق امیر کافی (۱۳۸۷) با عنوان «بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهر تهران)» حاکی از آن است که بیشتر پاسخ‌گویان در باب متغیر حمایت اجتماعی، به کمک همسایگان در مواقع اضطراری، امیدی ندارند و امداد و یاری آن‌ها را در سطح کم ارزیابی می‌کنند. همچنین پاسخ‌گویان خطر اعتماد کردن را در موقعیت‌های مختلف زندگی روزانه زیاد می‌دانند و احتمال ضرر، زیان و آسیب را بیشتر از سود ناشی از آن برآورد می‌کنند. نتایج این تحقیق نشان داد متغیر حمایت اجتماعی، آثار معناداری بر احساس امنیت دارد.

همسایه، نمود حجاب در بنای معماری بود که از امکان ایجاد رفتار غیراخلاقی دید به حریم دیگران جلوگیری می‌کرد.

این در حالی است که در معماری گذشته ایران، شهر و فضاهای شهری بیشتر در خدمت انسان‌ها بود و همین موضوع احساس امنیت بیشتری را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد. در دوره قاجار، در طراحی شهری ما میدانچه‌های کوچکی وجود داشت که امکان جمع شدن افراد و اطلاع از حال و روز یکدیگر را فراهم می‌کرد. در فضاهای شهری آن دوره وجود محلات و روابط اجتماعی حاکم بر آن‌ها و حضور مردم در آن نقش عمده‌ای در ایجاد امنیت در شهر داشت؛ به طوری که تمام افراد ساکن در یک محل خود را موظف به حفظ جان و مال و ناموس ساکنان محله می‌دانستند؛ اما از دوره پهلوی این نگاه تغییر کرد و بسیاری از آن محلات تبدیل به خیابان شد و به تدریج محله‌ها حذف شد.

هرچند تغییرات صورت گرفته در بافت شهری را نمی‌توان تنها تهدیدگر زندگی امن شهری تلقی کرد، از تأثیر پیامدهای فرهنگی ناشی از آن در تمهید شرایط ناامنی فضای شهری نباید غافل بود. از جمله این آثار، فراموشی روابط گسترده عاطفی با همسایگان است که از جمله سنت‌های دیرینه فرهنگ ایرانی بشمار می‌رود. در نتیجه طی تحولات مدرن شهری در شهرهای بزرگ، همسایگان بعد از سال‌ها زندگی در جوار هم و حتی در یک آپارتمان، کمترین آشنایی و شناختی از همدیگر ندارند. این در حالی است که از مهم‌ترین ابعاد روابط شهروندی، توجه به نظام هم‌جواری‌ها و حریم خصوصی دیگران است که در اسلام با تلقی همسایه‌داری به مثابه ستون فقرات امت مورد عنایت قرار گرفته و برای آن مجموعه اصول اخلاقی در نظر گرفته شده است تا اولاً با حفظ روابط مستحکم همسایگی و ثانیاً صیانت حقوق همسایگان (مرتضی، ۱۳۸۷: ۷۶)، از آسیب دیدگی امنیت در زیست شهری جلوگیری شود.

در خصوص حقوق همسایه که در معماری نمود بیشتری دارد، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بدون اجازه همسایه با افزایش ارتفاع ساختمان خود، به حریم وی تجاوز نکنید» (همان: ۴۴)؛ چراکه با این کار، عملاً حریم خصوصی و بصری آن‌ها مورد تعرض قرار می‌گیرد. اسلام به قدری به امنیت اجتماعی مردم توجه دارد که حتی نگاه کردن به درون خانه دیگران را جایز نمی‌داند. بدون اجازه به خانه دیگران وارد شدن و نیز نگاه کردن به خانه دیگران از محرمات به شمار می‌آید و خون فرد خاطی هدر است. با وجود این، بی‌توجهی به این ملاحظات اخلاقی و عدم همخوانی بین معماری و شهرسازی جدید با فرهنگ سنتی ایران زمین که متراکم‌سازی و انبوه شدن ساختمان‌ها را در پی داشته،

سبب شده با رنگ باختن حرمت خانواده بر اثر مُشرف بودن بناها نسبت به یکدیگر، ضریب بروز جرایم اخلاقی بر اثر این عامل رو به فزونی نهد.

ثبات زندگی اجتماعی و اشتراک شدید افراد در آداب و رسوم، عرف و باورهای دینی، مانع بزرگی برای رفتار مجرمانه در شهرهای سنتی محسوب می‌شود، در دهه‌های اخیر با صنعتی شدن جوامع و که به موازات گسترش و متراکم شدن محلات شهری در پی افزایش جمعیت شهرنشین که کاهش برخورداری از امکانات و تسهیلات، حاشیه نشینی، افزایش فقر، فرسودگی بافت‌های شهری و افزایش جرائم شهری را به دنبال داشته است؛ رسوم اجتماعی و قوانین اخلاقی قدرت بازدارندگی خود را از دست داده‌اند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶).

رواج ناامنی‌های اجتماعی در شهرها، پژوهشگران و متخصصان شهری در دهه‌های اخیر را بر آن داشت تا با توجه به نقش تدابیر و سیاست‌ها در خلق محیط‌های مطلوب و ترکیب مناسب کاربری‌های مختلف شهری در پهنه فضاهای موجود شهر و...، نظریه‌هایی از جمله نظریه فضاهای قابل دفاع، پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی و جرم‌شناسی، بر این باور پافشاری کنند که با به کارگیری اصول و پایه‌های نظریه‌های یادشده در شهرسازی، می‌توان از وقوع جرم و بزهکاری در محیط شهری پیشگیری کرد یا میزان آن را کاهش داد و به این ترتیب میزان امنیت شهروندان را ارتقا بخشید.

تداوم ناامنی شهری به رغم کاربست راهکارهای توصیه‌شده نشان می‌دهد که آرامش و امنیت شهرها صرفاً به وسیله پلیس تأمین نمی‌شود، بلکه آرامش و امنیت عمدتاً با ایجاد شبکه‌ای پیچیده و تقریباً ناخودآگاه از نظارت‌ها و رعایت داوطلبانهٔ هنجارها در میان خود مردم حفظ می‌شود و به وسیله خود آنان اجرا می‌شود^۱ (لحمیان، ۱۳۹۶: ۴). در واقع، در توسل به خشونت و اعمال مجازات به منظور مهار ناهنجاری‌های تهدیدگر امنیت شهری و مقابله با آن، علت بروز فراموش و مبارزه با معلول جای‌گزین مبارزه با علت می‌شود. به همین دلیل، باید رویکردی اتخاذ شود که بیش از فعل ضداجتماع، به انسان فاعل آن و عوامل و علل مؤثر بر او که سبب رفتار ضداجتماعی می‌شود، توجه شود (گنجی، ۱۳۹۵: ۲).

۱. ریتاور (۲۰۰۷) در تحقیقی کوشیده است به این پرسش پاسخ دهد که آیا تأثیر کنترل اجتماعی محله‌ای غیررسمی بر کاهش ترس از جرم بیشتر است یا اقدامات پلیس و دولت او. به همین منظور، پرسشنامه‌ای را برای سنجش رابطه کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی با ترس از جرم تنظیم کرد و پس از توزیع و تجزیه و تحلیل یافته‌ها، به این نتیجه رسید که هم کنترل غیررسمی (به ویژه انسجام اجتماعی) و هم کنترل اجتماعی رسمی (اثربخشی برخورد پلیس با جرم و بازدارنده دانستن ترس از پلیس) با ترس از جرم و ناامنی رابطه معناداری دارند.

سازگار ایجاد امنیت در فضای شهری در آموزه‌های اسلامی

از آنجاکه امنیت اولین و مقدم‌ترین شرط یک زندگی سالم اجتماعی را تشکیل می‌دهد و نظر به اهمیت این موضوع در دین مبین اسلام^۱ و عده تحقق چنین شهری به پیروان و آحاد انسانی داده شده^۲ و بر همین اساس، در راستای حذف ناامنی از شهرها، مواردی مطرح شده است. در متون دینی به‌خصوص قرآن کریم، از واژه امنیت بارها یاد شده است؛ به‌طوری‌که در قرآن کریم، در ۸۵۳ مورد به موضوع امنیت عینی (سرزمین، شهر، جامعه) و امنیت ذهنی (احساس امنیت ناشی از ایمان به خدا و باورهای دینی) پرداخته شده است (کریمانی، ۱۳۸۹: ۹۱). چنین تأکیدی بر امنیت در اسلام، حکایت از آن دارد که «امنیت» بستر همه نعمت‌هاست و در صورت زوال آن، احتمال به خطر افتادن سایر مسائل رفاهی و مواهب مادی و معنوی نیز افزایش خواهد یافت. رویکرد اسلام به‌منظور ایجاد حس امنیت در شهروندان، در دو حوزه قابل بررسی است:

۱. طراحی شهری

درواقع باید توجه داشت که دین همه جنبه‌های رفتاری را تعیین نمی‌کند، بلکه فقط حدود و کلیات را وضع می‌کند. از این‌رو همان‌گونه که برای انجام سفر واجبی چون حج نوع وسیله را مشخص نمی‌کند، در طراحی شهری نیز بر مواردی تأکید شده که با سوق دادن انسان‌ها به سوی زیبایی‌های معنوی و زیبایی‌های معقول و ملکوتی سبب‌ساز عروج و تکامل، مانع فروغلتیدن ایشان به بسترهای خطا و جرم شود. از این‌رو در چشم‌انداز شهری، وجود مراکز درون‌گرا و شاخص در افق شهری که یاد خدا را در انسان احیا کند، نوع خاصی از طراحی را در معماری ایجاب می‌کند. وجود گنبد قابل مشاهده از بیرون، سبب ایجاد یک مرکزیت درون‌گرا و یک نقطه چشم‌انداز و برجستگی مورد توجه در مقایسه با مجموعه ساختمان‌های اطراف در فضای شهری می‌شود (اولیاء، ۱۳۷۸: ۲۱۴). همچنین مهم‌ترین و پرنفوذترین آرایه‌های سیر دهنده انسان به سمت معنویت، همگی از اهمیت اصولی چون صیانت مسلمین از فروغلتیدن به عرصه‌های گناه و دیگر آسیب‌های منجر به تباهی حکایت می‌کند. از جمله این موارد می‌توان به آرایه‌های کلامی و خط (خطوط بنایی) ترکیب شده با هندسه در بنای مساجد اشاره نمود که توجه به مسائلی در مکان‌یابی و طراحی مسجد چون رعایت حریم چهل زرع برای مسجد و نیز عدم بنای ساختمانی بلندتر از ساختمان مسجد مانع از کور شدن افق دید مسجد و

۱. «لا نعمة اهنأ من الأمان (تهجج البلاغه)؛ هیچ نعمتی گوارتر از امنیت نیست.»

۲. «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ (یونس / ۲۵)؛ خداوند به خانه سالم و به دور از تنش و آسیب دعوت می‌کند.»

در نتیجه عدم امکان برقراری ارتباط بصری تا چهل خانه همسایه آن را، ایجاب می‌کند. حتی فلسفه تعبیه مناره برای مساجد نیز می‌تواند بر لازم و ملزوم بودن خودسازی همراه با جامعه‌سازی در اسلام دلالت داشته باشد، و گواه آنکه کسی که امکان خودسازی و کشف لذت تکامل وجودی خویش را با حضور در مسجد پیدا کرده است، باید مسئولیت انتقال این پیام به دیگران را از بلندای مأذنه به انجام رساند (عرفانیان، ۱۳۷۸: ۱۵۴).

در فقه اسلامی، تاکنون بابتی درباره عناصر لازم در تشکیل شهر تدوین نشده است؛ گرچه جای دارد از میان روایاتی که در موضوعات مختلف وجود دارد، پژوهش‌هایی را در این زمینه آغاز کرد، که به‌عنوان نمونه، مختصراً به چند سرفصل از آن‌ها اشاره می‌شود:

- رعایت ملاحظات امنیتی معمول در ساختمان‌سازی: از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: آیا می‌توان بر پشت‌بامی که دورچینی نشده است خوابید؟ ایشان فرمودند که اگر تا دو ذراع (یک متر) دورچینی باشد، کفایت می‌کند (حر عاملی، بی‌تا: ۵ / ۳۱۳، ح ۶۶۴۴).

با استفاده از این روایت می‌توان ضرورت برخورداری محل زندگی انسان‌ها از حداقل استانداردهای امنیتی را استنباط کرد؛

- لزوم پرهیز از برخی تنگ‌نظری‌ها در هزینه‌ها: نباید به بهانه جلوگیری از اسراف و تبذیر، شهرها و خانه‌ها را به‌صورت تاریک، غمناک و بی‌روح درآورد.

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: روشن کردن چراغ‌های منزل قبل از غروب خورشید (و تاریک شدن کامل هوا)، فقر را از انسان دور می‌کند (همان: ۳۲۰، ح ۶۶۶۷).

رعایت نظافت و بهداشت محیط زندگی نیز از اموری است که تأکید فراوانی بر آن شده است (همان: ۳۱۷)؛

- مراعات حال همسایگان: اجتناب‌ناپذیری زندگی در جوار یکدیگر در زندگی شهری، می‌طلبد که معماری شهری به‌گونه‌ای باشد که تا حد امکان، آسیبی مادی و روانی به شهروندان وارد نشود.

پیامبر صلی الله علیه و آله سرک کشیدن به خانه همسایگان را ممنوع اعلام کرد (همان: ۳۳۵، ح ۶۷۱۷)؛

- عدم استفاده اختصاصی از مکان‌های عمومی حتی برای رفتارهای مشروع: افراد مسلمان نباید از فضاهای عمومی به‌گونه‌ای استفاده کنند که بهره‌برداری دیگران را دچار اختلال کند.

امام رضا علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند که هر راهی که مورد استفاده مردم است، نماز خواندن در آن سزاوار نیست، خواه جاده‌ای در آن مسیر کشیده شده باشد خواه چنین جاده‌ای وجود نداشته باشد (همان: ۱۴۷، ح ۶۱۷۵).

۲. تأکید بر خودکنترلی به منظور تقویت احساس امنیت

شهر اسلامی فقط کالبد نیست و علاوه بر کالبد، مقولات مهم دیگری نیز در تعریف شهر اسلامی و تجلی آن ایفا نقش می‌کنند. اصلی‌ترین عنصر انسان (مؤمن) است که البته مهم‌ترین مقوله مربوط به او نیز وجه فکری یا به عبارتی ایمان اوست. عنصر بعدی قوانین حاکم بر شهر و بر همه روابطی است که بین انسان‌ها و طبیعت و آثار انسانی حاکم‌اند (رضایی‌مقدم، ۱۳۸۹: ۲۵). از این‌رو در نهایت، طراحی و ساخت فضا و کالبد شهر اسلامی تا حد زیادی به اعتقادات شهروندان مسلمان و نحوه رفتار آن‌ها بر اساس آموزه‌های دینی و اسلامی بستگی دارد. در الگوی شهر اسلامی عامل مسلط دین اسلام است و به طور حتم تمام شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر بر اساس این عامل، نظام و هویت می‌یابند (ایازی، ۱۳۸۷: ۱۰۴). به عبارت دقیق‌تر، عوامل شکل‌دهنده شهر اسلامی را می‌توان در سه گروه اصلی طبقه‌بندی کرد: اولین عامل «ایمان‌شهر» یا اصول ایمانی شهروندان است که از آن به فضای فکری تعبیر می‌شود؛ دوم، «اصول عملی» اسلام است که از آن به فضای رفتاری تعبیر می‌شود. مقررات و قوانین و اصول اخلاقی جزئیات این اصول هستند که روابط مدیر شهر، اهل شهر و عالم ماده را تعریف می‌کنند؛ سومین عامل کالبد شهر است که از آن به فضای عینی تعبیر می‌شود. این کالبد توسط انسان (فضای فکری) و با رفتار اسلامی که تبیین‌کننده ارتباط انسان با جهان است، منجر به ایجاد فضای محیطی می‌شود که در عین حال که از اصول اسلامی نشئت گرفته‌اند، به این اصول اشاره دارند و انسان را در مسلمان زیستن کمک می‌کنند (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۵).

رویکرد امنیت در اسلام ناشی از رابطه بین خودسازی و رهایی انسان از هواهوس و شهوت و اجتناب از معاصی و نافرمانی خدای متعال و درحقیقت تقوا داشتن و برخورداری از آزادی معنوی به طور کامل است و تحقق آسودگی روحی و روانی و فردی و خانوادگی و اجتماعی، به تقوا و آزادی معنوی منوط است. به قول استاد شهید مطهری، تقوا به انسان امنیت معنوی می‌دهد؛ یعنی او را در مقابل آسیب‌های فردی و اجتماعی همچون اسارت و بندگی هواهوس در امان می‌دارد، رشته آز، طمع، حسد، شهوت و خشم را از گردنش برمی‌دارد و به این ترتیب رقیبیت‌ها و بردگی‌های اجتماعی را از بین می‌برد (مطهری، ۱۳۶۷: ۶۰).

به این ترتیب، باورهای دینی مبتنی بر خودکنترلی، نوعی پیوستگی و نظارت بیرونی از سوی دین‌داران بر فرد ایجاد می‌کند که تأثیر بازدارندگی آن به مراتب قوی‌تر از هر بازدارنده فیزیکی است. یکی از اعتقادات مهم بازدارنده از ارتکاب گناهان و جرایم، علم و آگاهی نامحدود خداوند است که

مسئولیت سنگین پاسخ‌گویی در برابر اعمال آدمی را متوجه او می‌سازد. از نظر قرآن، همه موجودات در محضر خداوند قرار دارند: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (نساء / ۳۳)؛ خداوند بر هر چیز شاهد و ناظر است.» علاوه بر اعمال و رفتار ظاهری انسان، افکار، نیت، خطورات قلبی و حدیث نفسی او نیز برای خداوند معلوم و مشهود است:

وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرُّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ. (انعام / ۳)
اوست خداوند در آسمان‌ها و در زمین. پنهان و آشکار شما را می‌داند و از آنچه انجام می‌دهید و [به دست می‌آورد، باخبر است.

ایمان و اعتقاد به این آموزه‌ها موجب می‌شود انسان همیشه خود را تحت احاطه علمی بی‌پایان و نظارت دقیق خداوند متعال بداند و نه تنها در ظاهر از کژروی‌ها و اعمال ناپسند خودداری کند، بلکه در باطن نیز افکار ناپسند و نیت شوم را به دل راه ندهد. از آن‌رو که اعمال و رفتار انسان تبلور افکار و مقاصد اوست، طبیعی است که با کنترل افکار و اندیشه‌ها، رفتار انسان نیز اصلاح، و ریشه انحراف و ناهنجاری‌ها از بن قطع خواهد شد، مشروط بر اینکه ایمان به این مطلب واقعاً در دل او رسوخ کرده و به صورت یک باور قطعی درآمده باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۲۷ / ۱۶۸). در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «برترین مرحله ایمان انسان این است که بداند هر جا باشد خدا با اوست» (سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۶ / ۱۷۱).
در روایتی دیگر هم آمده است:

عبد الله كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنَّ لَمْ تَكُن تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ. (مجلسی، ۱۳۵۴: ۲۵ / ۲۰۴)
خدا را آن‌چنان عبادت کن که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را به خوبی می‌بیند.

امام موسی کاظم علیه السلام نیز به یکی از فرزندان خود می‌فرماید:

فرزند عزیزم، بیرهیز از اینکه خداوند تو را در حال ارتکاب معصیتی ببیند که از آن منعت کرده است، و بیرهیز از اینکه خدای تعالی تو را در مقام طاعتی که به آن مأمورت ساخته است نیابد (شیخ صدوق، بی تا: ۴ / ۴۰۸).

ایجاد امنیت شهری با پاسداشت کرامت انسانی

دورکیم با تبدیل امر دینی به بعد ذاتی جامعه (ایده «جامعه روح دین را تشکیل می‌دهد») و با تأکید

بر قدرت آن در ابراز و استواری پیوند اجتماعی، بر کارکرد مهم و سازنده امر دینی، یعنی کارکرد اجتماعی و تأیید نظم اجتماعی، تأکید می‌کند (گیدنز و ساتن، ۱۳۹۵: ۵۶).
به باور دورکیم، دین نیروست؛ نیرویی که کنش را ممکن می‌کند:

مؤمنی که با خدایش ارتباط برقرار می‌کند، نه تنها انسانی است که حقایق جدیدی را می‌بیند که فرد غیرمؤمن از آن بی‌خبر است، بلکه انسانی است که توانایی بیشتری دارد. او در خود احساس نیروی بیشتری می‌کند؛ خواه برای تحمیل مشکلات وجودش خواه برای غلبه بر آنها. مثل این است که او بر فلاکت‌های بشری چیره می‌شود؛ زیرا در فراسوی وضعیت بشری ایستاده است (همان: ۵۸ - ۵۷).

به نظر دورکیم، دین در افراد حس وظیفه‌ای اخلاقی ایجاد می‌کند که از طریق آن فشار اجتماعی محترمانه‌ای را احساس کنند که آنان را به تبعیت از خواسته‌های اجتماعی وامی‌دارد (کوزر، ۱۳۸۰: ۱۹۷).
به گمان دورکیم، بحران جامعه مدرن به دلیل عدم جای‌گزینی اخلاقیاتی سنتی است که بر بنیان دین استوار بوده است. از نظر وی، جامعه‌شناسی می‌باید در خدمت بازسازی اخلاقی باشد که پاسخ‌گوی مطالبات روح عمومی است. همچنین، او بر سودمندی اجتماعی دین و نقش انسجام‌محوری آن تأکید می‌کند (ارویولزه و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۵).

و بر نیز مانند دورکیم به اهمیت نهادهای مذهبی و از جمله تعالیم اخلاقی دین در تأمین نظم و به طبع امنیت جامعه اشاره می‌کند. به عقیده او مذهب و رعایت مبادی اخلاق دینی باعث نهادینه شدن ارزش‌ها می‌شود و ارزش‌های نهادینه‌شده نظم اجتماعی را شکل می‌دهند. نظم اجتماعی نیز باعث برقراری امنیت می‌شود (پورا احمد و همکاران، ۱۳۹۱: ۳). از سوی دیگر، بوزان امنیت اجتماعی را توان پایدار ماندن الگوهای سنتی زبان، فرهنگ و هویت مذهبی و قومی، همراه با تکامل پذیرفتن آنها در جامعه تعریف می‌کند. او در خصوص چندبعدی بودن امنیت بر این باور است که باید تأثیر فرهنگ، محیط زیست، تمدن و از همه مهم‌تر، مذهب را فهمید.

پارسونز هم معتقد است به دلیل وجود نهادهایی مانند مذهب که حفظ ارزش‌ها و افراد را به وفاداری به ارزش‌ها ترغیب می‌کند و نیز به دلیل وجود اشکال سازمان‌یافته‌ای مانند خانواده و نظام‌های تعلیم و تربیت که ارزش‌های اخلاقی را به اعضای جامعه القا می‌کنند، در هر جامعه ارزش‌ها رو به سوی ثبات دارند. ارزش‌های ثابت و منظم اخلاقی نیز احساس آرامش و امنیت اجتماعی را دربرخواهند داشت (ذاکری هامانه، ۱۳۹۴: ۱۸۶). در باب تأثیر مذهب بر احساس امنیت اجتماعی فروم معتقد است در قرون اولیه، انسان‌ها از اسطوره‌ها و مذهب برای برقراری پیوند بین

طوایفشان استفاده می‌کردند. زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها با کلیسا پیوند یافته بود. کلیسا به آن‌ها امنیت می‌داد و عشق به خدا نیز امنیت را به آن‌ها عرضه می‌کرد (لاتدین، ۱۳۷۸: ۳۹۹).

تراویس هیرشی نوعی از الگوی کنترل و نظارت را ارائه داده است؛ الگویی که گاه نیز با نام نظریه پیوند از آن یاد می‌شود. او پیدایش انحرافات اجتماعی و عدم وجود سیستم کنترل و نظارت را معلول ضعف هم‌بستگی در گروه‌ها و نهادها و ساختارهای مختلف اجتماع و نیز ضعف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌شمرد (شفازاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳).

دین با تأثیر گذاشتن بر اعمال فردی، جهان‌بینی خاصی به فرد می‌دهد و احساس رضایت از زندگی در او ایجاد می‌کند. از این‌رو، فرد دین‌دار با الهام از آموزه‌های اخلاقی دین از جمله اصل کرامت انسانی که موجب درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی می‌شود، احساس امنیت زیادی در مقابل رخدادها و خطرهای دارد که فرد غیردین‌دار فاقد آن است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰). همه انسان‌ها به صرف طبیعت الهی‌شان، دارای کرامت ذاتی هستند، اما اینکه آن‌ها کرامت ذاتی بالقوه را به‌عنوان مواهب خدادادی تا چه میزان در خود به فعلیت برسانند، موجب ظهور کرامت اکتسابی در آن‌ها می‌شود.

از نتایج مترتب بر کرامت ذاتی انسان در اسلام، حق حیات و زندگی امن برای همه انسان‌های مؤمن است؛ یعنی زندگی به دور از تنش و در سایه امنیت حق طبیعی و فطری همه انسان‌هایی است که قدردان این موهبت الهی هستند. خداوند طبق آیه ۷۰ از سوره اسراء، می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ خداوند انسان را بر سایر موجودات مزیت و برتری داده و در دریاها، کشتی‌ها و در خشکی، حیوانات چهارپا را مسخر او نموده تا به سوی مقاصد خود رهسپار شود و در طلب فضل الهی بر آید که این امر، از مصادیق تکریم الهی است.» در انتهای آیه آمده است: ما آدمیان را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری فراوانی داده‌ایم و چون با لفظ (من) که مخصوص صاحبان عقول است به آن‌ها اشاره شده، شاید مراد از آن مخلوقات، انواع حیوانات دارای شعور و جنیان باشد. این عمومیت بدون ملاحظه عناصری همچون ملیت، جنسیت و گویش نشان‌دهنده آن است که کرامت در این آیه به فرد یا گروه خاصی مقید نشده و مراد از بنی‌آدم، همه انسان‌هایی است که سر به فرمان الهی نهاده‌اند و قصد آن دارند که در سایه امنیت، از فرصت محدود زیست دنیوی، برای خود توشه ماندگار حیات اخروی بیندوزند.

کرامت ذاتی انسان همواره ملازم با حقوق فطری و طبیعی هر فرد است؛ که به طور خودبه‌خودی در نهاد او وجود دارد و زمانی که انسان در اجتماع قرار گیرد، عناصر حقوق طبیعی به‌ویژه حق حیات

ایمن، از صورت قوه به فعلیت درمی آیند و استحقاق رعایت آن را برای دیگران به عنوان یک تکلیف و تعهد برمی انگیزند. افراد دیگر نیز حق تعرض به حرمت و کرامت انسانی او را ندارند.

البته با آنکه خداوند بشر را ناظر به خصلت کرامتش بر اکثر موجودات برتری داده، در بخشی دیگر از آیات انسان دورافتاده از این ویژگی را نکوهش کرده است؛ چراکه انسان با سوء انتخاب و ارتکاب اعمال ناپسند چون گناهان فردی و نیز جرائم اجتماعی، خود را به پایین ترین درجه «اسفل السافلین» (تین / ۵) تنزل مقام داده و در حد حیوانات «ان هم الا کالانعام» (فرقان / ۴۴) مانند «کمثل الحمار» (جمعه / ۵) و «کمثل الکل» (اعراف / ۱۶) قرار می گیرد، بلکه فروتر بودن خویش از حیوانات «بل هم اضل سبیلا» (فرقان / ۳۳) و مانند «کالحجاره او اشد قسوه» (بقره / ۷۳) را رقم می زند.

وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: انسان با کرامت از حرام اجتناب می کند و از همه عیبها منزّه و پاک است (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳: ۲ / ۴)، تأثیر شگرف اهتمام به زمینه های تکوین یکی از اجزای مهم مورد تأکید در اخلاق اسلامی یعنی کرامت انسانی مؤثر در ترک ناهنجاری های اجتماعی، آشکار می شود.

جایگاه والای کرامت نفس ایجاب می کند پایه اخلاق اسلامی، روابط فرهنگی حتی سیاست های اقتصادی جامعه در فضای تکریم سامان یابد و اصلاحات اجتماعی نیز در بستر کرامت انسانی شکل گیرد تا آرامش وجودی و امنیت درونی حاصل آید. از این رو، امیرالمؤمنین علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر می فرماید:

قلب خود را سرشار از مهر و عطوفت با مردم قرار ده و با آنها دوست و مهربان باش. مبدا چون جانوری درنده باشی که خوردنشان را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو دسته اند: برادر دینی تو، دسته ای دیگر در آفرینش با تو همانندند (نهج البلاغه: ۳۶۷).

جامعه اسلامی که در روابط خود کرامت محور باشد و حقوق شهروندان را پاس بدارد، مردمی سالم و پویا خواهد داشت. از نظر اخلاقی، توجه به کرامت و بزرگداشت نفس، می تواند ضمانت اجرایی برای امنیت معنوی انسان و پرهیز از کژی ها در یک جامعه اسلامی باشد تا آدمی گوهر گران بهای خود را به ثمنی کمتر از بهشت نفروشد؛ زیرا در غیر این صورت، انسان در برابر از دست دادن نفس خویش، عوضی را به دست نخواهد آورد.

مهم ترین آثار و برکات رعایت مکانت انسان در تعامل با دیگر اعضای جامعه، رسیدن آنها به مقام امن و امنیت است و لذا خداوند در برخی از آیات قرآن، این مهم را یادآوری می فرماید:

فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ. (انعام / ۸۱)

کدام‌یک از دو گروه بت‌پرستان و خداپرستان شایسته‌تر به ایمنی هستند؟

قرآن کریم ناظر به امنیتی که خداپرستی به ارمغان می‌آورد ضمن برحذر داشتن از تفرقه، کشمکش‌های اجتماعی را موجب سستی خوانده است: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا (انفال / ۴۶)؛ و با هم نزاع مکنید که سست می‌شوید.» همچنین همگان را به وحدت و صلح فراخوانده است تا جامعه اسلامی به سامان رسد (بهجت‌پور و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

البته اختلاف‌نظر و سلیقه افراد در امور اجتماعی، سیاسی و مذهبی امری طبیعی است؛ ولی چنانچه به صورت جناح‌بندی‌های حاد اجتماعی و سیاسی درآید و همراه تعصب، لجاجت و رقابت منفی شود، خطرناک می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۶ / ۸۶)؛ زیرا آرامش جامعه به خاطر اختلاف و تفرقه و دروغ‌افکنی و تهمت و افترا از بین می‌رود، که این امر می‌تواند بستر ساز بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری در اجتماع شود.

اگر در آیه ۱۱۲ سوره نحل برای منطقه آباد و خوشبخت و پربرکت، سه ویژگی ذکر شده که نخستین آن‌ها امنیت است که به دنبال آن، اطمینان به ادامه زندگی و بعد از آن، روزی و مواد غذایی فراوان پدید می‌آید، روشن می‌شود تا زمانی که امنیت به‌عنوان اساس حقوق شهروندان مطمح‌نظر نباشد، اطمینان به زندگی در یک منطقه وجود ندارد و نمی‌توان مردم را به آینده خود در آن منطقه امیدوار ساخت و به دنبال آن، چرخ‌های اقتصادی را به حرکت درآورد.

پیشگیری از وقوع جرم و بازدارندگی عمومی به‌عنوان مهم‌ترین هدف نظام‌های کیفری پیشرفته، از اهدافی است که در نظام کیفری قرآن نیز مورد توجه قرار گرفته است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۸۶) و برای آنان که حقوق دیگران را مراعات نکنند، مجازات‌های متعددی در نظر گرفته شده و به آن‌ها وعده عذاب داده شده است. حتی به‌رغم قاعده فقهی «تسلیط»، نصوص دینی بر این متفق‌اند که هرگاه از ناحیه تصرف متصرف، خسارتی بر دیگران وارد شود، به‌گونه‌ای که عرفاً خسارت به متصرف اسناد داده شود، او ضامن خواهد بود (حر عاملی، بی‌تا: ۱۹ / ۱۸۱ - ۱۷۹). همچنین آمده است: روا نباشد که از بام و پنجره، همسایه‌ها را بنگرد و نیز مردان را روا نیست که بی‌هیچ حاجتی بر سر راه زنان نشینند. هرکس چنین کند، تعزیر آن بر محتسب واجب است (شعار، ۱۳۹۷: ۹۵ - ۳۷).

صرف این‌گونه اندازها می‌تواند جنبه پیشگیرانه درباره عدم مراعات حقوق دیگران و ارتکاب جرم

داشته باشد.

این‌اخوه در کتاب خود، نشستن مردم در کوچه‌های تنگ را نهی می‌کند و آن را نوعی تجاوز به‌شمار می‌آورد و می‌گوید: «بر محتسب است که از این عمل بازدارد تا به مردم زبانی نرسد.» او همچنین تنظیف را وظیفه بازاریان می‌داند؛ زیرا از آنجاکه کثافات انباشته‌شده برای مردم زیان‌بخش است، وی این کار را مبتنی بر قاعده فقهی «لا ضرر ولا ضرار» می‌داند.

به‌رغم کارآمدی اصل کرامت انسانی در بازداشت فرد صاحب این صفت از غلتیدن به وادی انحراف یا تعدی به حقوق دیگران، بعضی از افکار و امیال و رفتارهای آدمی می‌تواند با تضعیف اعتقادات دینی، سازکار عزتمندی را که عامل مؤثری در «خودکنترلی» و نیز «دیگرکنترلی» است و هر دو در کاهش ارتکاب جرم در زیست شهری مؤثر است، دستخوش آسیب کند، که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. خواست خداوند آن است که انسان کریمانه زندگی کند

اولین آیه‌ای که ذات اقدس الهی نازل کرده در سوره مبارکه «علق» و همان درس کرامت دادن است. فرمود: «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ.» اولین درسی که ذات اقدس الهی به جوامع بشری داد همان درس کرامت است و کرامت هم در تقواست. تقوا آن است که انسان روح بلندی داشته باشد؛ نه به سراغ بدی برود و نه اجازه بدهد که بدی به سراغ او بیاید (جوادی آملی، ۱۴۰۲ ق). طمع و زیاده‌خواهی نیز بیش از سایر عوامل، آدمی را خوار و حقیر می‌گرداند. حضرت لقمان علیه السلام در اندرز به فرزند خود فرمود: اگر می‌خواهی عزت دنیا را به دست آوری، طمع خویش را از آنچه مردم دارند بپُر؛ زیرا پیامبران و صدیقان به سبب برکندن طمع خود، به آن مقامات رسیدند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۲ / ۶۸۳). علایق شدید مادی و دنیاپرستی انسان را به هر انحراف و گناهی می‌کشاند؛ زیرا سوءاستفاده انسان از دنیا و دل‌بستگی به آن، فریب خوردن، مغرور شدن و غافل شدن از آخرت را به‌دنبال دارد:

کسانی که به دیدار ما امیدی ندارند و به زندگی دنیا دل بسته و بدان آرامش یافته‌اند و کسانی که از آیات ما بی‌خبرند، ایشان به دلیل کردارشان در آتش جای دارند (یونس / ۸ - ۷).

گفت پیغمبر که جنت از اله
گر همی خواهی ز کس چیزی مخواه
چون نخواهی من کفیلم مر تو را
جنت المأوی و دیدار خدا
(مولوی، ۱۳۹۸: دفتر ۶، ۳۳۴ - ۳۳۳)

۲. شیوع رذایل اخلاقی

الف) دروغ نشانه این است که گوینده‌اش ناتوان و ضعیف است: «الْصِّدْقُ عِزٌّ، وَالْكَذِبُ عَجْزٌ» (ابن‌ابی‌یعقوب، ۱۳۷۴: ۲ / ۲۴۶).

ب) غیبت کردن نیز حاکی از نهایت ناتوانی فرد است. انسان غیرتمند هیچ‌گاه پشت سر کسی بد نمی‌گوید: «الْغِيبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۶۱).

ج) دمخور شدن بیش‌ازاندازه با مردم نیز موجبات کوچکی انسان را فراهم می‌سازد.

د) زیر پا گذاشتن حق از عوامل مؤثر در ذلت و فرومایگی است. امام عسکری علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید:

هیچ عزتمندی حق را فرونگذاشت مگر اینکه به ذلت افتاد و هیچ ذلیل و ناتوانی حق را نگرفت مگر اینکه عزیز و نیرومند شد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۳ / ۳۷۸).

ه) خشم گرفتن و عصبانیت نیز ممکن است آدمی را وادار به کاری کند که موجب ذلت او شود یا به کاری وادارد که بعداً پشیمان و مجبور شود که بسیار عذرخواهی کند.

و) گناه و معصیت نیز شخصیت آدمی را به ذلت می‌کشاند. امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر کس می‌خواهد بی‌آنکه ایل و تباری داشته باشد، عزتمند شود و بدون آنکه مال و ثروتی فراهم کرده باشد، بی‌نیاز باشد و بدون آنکه قدرتی داشته باشد، دارای هیبت و شکوه باشد، باید از خواری و ذلت معصیت خدا به عزت طاعت او درآید (همان: ۲ / ۶۸۳). خداوند به داود علیه‌السلام وحی فرستاد: ای داود، من عزت را در اطاعت و پیروی از خود قرار دادم، ولی مردم آن را در خدمت به سلطان جست‌وجو می‌کنند و لذا به آن دست نمی‌یابند.

یکی از بزرگان هر وقت به بازار می‌رفت، آنچه را می‌دید و هوس می‌کرد، خطاب به نفس خود می‌گفت: ای نفس، صبر کن. من خواسته‌های تو را بر تو حرام نمی‌کنم، مگر به خاطر کرامتی که تو پیش من داری. عالمی به شخصی گفت: اگر دوست داری که طعم شیرین عبادت را بچشی و به بالاترین مرتبه آن برسی، بین خود و خواسته‌های دنیوی دیوار آهنین بکش (ابن‌ابی‌فراس، ۱۳۸۵: ۱ / ۹۳). نقل می‌کنند حضرت علی علیه‌السلام از جلو دکان قصابی می‌گذشتند. قصاب گفت: گوشت‌های خوبی آورده‌ام. حضرت علیه‌السلام فرمود: الان پول ندارم که بخرم. گفت: من صبر می‌کنم. امام علیه‌السلام فرمود: من به شکم خود می‌گویم که صبر کند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۱ / ۳۹۵).

ز) بیان گرفتاری و مشکلات خود به مردم از دیگر عوامل مؤثر در تحقیر انسان است.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به فردی که از مشکلات زندگی خود شکایت می‌کرد، فرمود: هرگز گرفتاری خود را به مردم نگو؛ زیرا بین آن‌ها خوار و کوچک می‌شوی و این کار یعنی من در زندگی شکست خورده‌ام (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۴۳).

ح) انجام دادن کاری که آدمی توان آن را ندارد. امام صادق علیه السلام فرمود: شایسته نیست مؤمن خود را دلیل کند. سؤال شد چگونه؟ فرمود: دست به کاری بزند که قادر به انجام آن نباشد و بدین‌سان سرافکننده شود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۱ / ۳۹۵).

ط) تواضع ارزش قلبی و باطنی است. ذل فی نفسک (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۳۲) یعنی در مقابل خدا و خلق خدا نباید متکبرانه برخورد کنی؛ اما اگر تواضع بیجا بود و خود را شل وانمود کرد، این نحوه رفتار، خود از موجبات سرافکنندگی است.

ی) شوخی کردن، مجادله و بگومگو، پرحرفی کردن، تخلفات شرعی و قانونی و... از دیگر عوامل ضایع شدن عزت انسان است.

ک) عزت و بزرگواری همه‌اش از آن خداست و اگر کسی بخواهد آن را از غیر خدا به دست آورد، خوار و حقیر خواهد شد (همان: ۴۳۳).

ک) فقر و ناداری: شاید هیچ پدیده‌ای به اندازه فقر زمینه‌ساز لگدمال شدن عزت نفس انسان‌ها نباشد. این مسئله واقعیتی انکارناپذیر است؛ چراکه به‌واسطه تنگ‌دستی و فقر، کرامت نفس و حرمت انسان‌ها مخدوش خواهد شد. از این‌روست که علی علیه السلام در حکمت ۲۲۵ *نهج البلاغه* می‌فرماید: «اللهم صنّ وجهی بالیسار، ولا تبذل جاهی بالاقطار؛ خدایا، آبرویم را با بی‌نیازی حفظ کن و با تنگ‌دستی منزلت اجتماعی مرا کاهش مده» یا می‌فرماید: «ان الفقر مذلة للنفس...» (همان: ۳۶۵) یا در حکمت ۱۵۴ *نهج البلاغه* آمده است: «الفقر موت الاکبر». اینکه در روایت آمده است: «کاد الفقر ان یکون کفراً» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۳۰۷) شاید اشاره به همین نکته باشد.

نتیجه

آثار بی‌بدیل شهر به‌عنوان پیشرفته‌ترین مجتمع زیستی بر روان و رفتار شهروندان، باتوجه‌به تعامل متقابل انسان و فضا که زمینه تأثیر شهر بر شهروندان و شهروندان بر شهر به‌عنوان فرایندی کنش - واکنشی در دوره‌های زمانی مختلف را سبب می‌شود، امری انکارناپذیر است. در این بین وجود امنیت به مثابه عامل روان‌ساز این فرایند تعاملی، شرط لازم برای حیات و زندگی شهری محسوب

می‌شود و ضریب ایمنی بالاتر شهرها، سبب افزایش میزان تعاملات و مناسبات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌گردد و بالعکس، با قرار گرفتن افراد در فضای رعب و وحشت، کاهش سطح مراودات و مبادلات به دنبال خواهد آمد.

با احساس ضرورت مطالعه موضوع امنیت، عوامل مؤثر بر آن و راهکارهای تقویت امنیت بر اثر گستردگی شهرنشینی و رواج ناامنی‌های اجتماعی در شهرها، پژوهشگران و متخصصان شهری در دهه‌های اخیر با تمرکز بر بُعد فیزیکی شهر و با توجه به نقش تدابیر و سیاست‌ها در خلق محیط‌های مطلوب و ترکیب مناسب کاربری‌های مختلف شهری در پهنه فضاهای موجود در پهنه فضاهای موجود شهر و ... آگاهی یافته و در این زمینه، نظریه‌هایی از جمله نظریه فضاهای قابل دفاع، پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی و جرم‌شناسی محیطی را ارائه نموده‌اند فضاهای قابل دفاع، پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی و جرم‌شناسی محیطی دست یافته‌اند و بر این عقیده‌اند که با به‌کارگیری اصول و پایه‌های نظریه‌های یادشده در شهرسازی می‌توان از وقوع جرم و بزهکاری در محیط شهری پیشگیری کرد یا میزان آن را کاهش داد و به این ترتیب میزان امنیت شهروندان را ارتقا بخشید.

در آموزه‌های اسلامی برخلاف حقوق کیفری که عمدتاً به کیفر عوامل انحراف و جرم مؤثر بر ناامنی شهری توجه دارد، برای ایجاد امنیت فضاهای شهری، سیاست پیشگیری فراگیر و واقع‌بینانه‌ای منبث از آموزه بلند اخلاقی تکریم انسان با تأکید بر ضرورت تقویت خودکنترلی در این زمینه ارائه شده است. باورهای اخلاقی دینی مبتنی بر خودکنترلی، نوعی پیوستگی و نظارت بیرونی از سوی دین‌داران بر فرد ایجاد می‌کند که تأثیر بازدارندگی آن به مراتب قوی‌تر از هر بازدارنده فیزیکی است؛ چه آنکه باور به علم و آگاهی نامحدود خداوند به همه موجودات و نیز اعمال و رفتار آدمی که مسئولیت سنگین پاسخ‌گوئی در برابر اعمال خود را متوجه او می‌سازد، می‌تواند بازدارنده‌ای قوی از ارتکاب گناهان و جرایم باشد. لحاظ کردن باورهای دینی دال بر نظارت همه‌جانبه خداوند بر اعمال و رفتار آدمیان در طراحی‌های شهری، علاوه بر تدابیر نظارتی مرسوم اعم از نظارت طبیعی یا استفاده از وسایلی از قبیل دوربین مداربسته به‌گونه‌ای که تمام بخش‌ها در معرض دید و قابل بررسی و نظارت باشند، می‌تواند همچون تجربه مسلم تقلیل میزان ناهنجاری‌های اجتماعی در ماه‌های مقدس رمضان و محرم، در کاهش انگیزه‌ها و وسوسه‌های ارتکاب جرم و در نتیجه افزایش امنیت همگانی اثر بسزایی داشته باشد.

منابع و مأخذ

۱. ابن ابی فراس، ابوالحسین ورام، ۱۳۸۵، *مجموعه ورام، آداب و اخلاق اسلام (تنبيه الخواطر و نزهه النواظر)*، ترجمه رضا عطائی، چ ۳، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲. ابن ابی یعقوب، احمد (ابن واضح یعقوبی)، ۱۳۷۴، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. ارویوزله، دانیل و دیگران، ۱۳۹۵، «دین در جوامع مدرن»، *مقالاتی در جامعه‌شناسی دین*، ترجمه علیرضا خدای، تهران، انتشارات نی.
۴. امیر کافی، مهدی، ۱۳۸۷، «بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهر تهران)»، *فصلنامه جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، ش ۱، زمستان، ص ۲۶ - ۱.
۵. اولیاء، محمدرضا، ۱۳۷۸، «نیایش و آفرینش فضا»، *مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، گذشته، حال و آینده*، ویراستار محمدرضا قره‌چمنی، تهران، دانشگاه هنر.
۶. یاززی، سید علی نقی، ۱۳۸۷، «تبیین اندیشه اسلامی پیرامون شهر و شهرنشینی با تأکید بر متون دینی»، *مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی*، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
۷. بهجت‌پور، عبدالکریم، محمدعلی رضایی اصفهانی، ابراهیم کلانتری و علی نصیری، ۱۳۸۵، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، قم، مرکز نشر معارف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.
۸. باستیه، ژان و برنارد درز، ۱۳۷۷، *شهر*، ترجمه دکتر علی اشرفی، تهران، دانشگاه هنر.
۹. پورا احمد، احمد و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی رابطه دین‌داری و احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی (مورد مطالعه: شهرستان کوه‌دشت)»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی نظم و امنیت اجتماعی*، سال اول، ش ۱، بهار، ص ۲۰ - ۱.
۱۰. تکلو، سمانه، فرح حبیب و زهرا سادات سعیده زرآبادی، ۱۳۹۴، «مکان‌گزینی فضاهای همگانی امن در محلات شهری با رویکرد چیدمان فضا (نمونه موردی، محله وردآورد تهران)»، *فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای*، سال هفتم، ش ۲۶، پاییز، ص ۲۲ - ۱.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۸۳، *مغز الحکم و درر الکلم*، انتخاب احادیث و ترجمه محسن موسوی، قم، دار الحدیث.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۴۰۲ ق، «انسانی که با رشوه و تهدید زود تسلیم می‌شود، دلیل و فرومایه است»، سایت شفقنا، ۲۳ شهریور، قابل‌بازیابی در: <https://fa.shafaqna.com/news/1649109/>

۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، بی تا، *وسائل الشیعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۴. حسینی، فرزانه، ۱۳۸۷، *بررسی و ارائه شاخص‌های کالبدی - کارکردی مؤثر بر ارتقای امنیت فضاهای شهری (مطالعه موردی: پارک دانشجو)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۵. ذاکری هامانه، راضیه، علیرضا افشانی و عباس عسکری ندوشن، ۱۳۹۴، «نقش دین‌داری در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی (مطالعه‌ای در شهر یزد)»، فصلنامه *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره نهم، ش ۱، فروردین، ص ۴۹ - ۲۱.
۱۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۹۱، *تفسیر مهر*، قم، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
۱۷. رضایی مقدم، علی، ۱۳۸۹، *بررسی مؤلفه‌های شهر اسلامی در طرح‌های توسعه شهر مشهد*، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، مشهد، دانشگاه فردوسی.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنثور*، بیروت، دار الفکر.
۱۹. شفازاده، احمد، محمدرضا ضمیری و محمدعلی حسینی، ۱۳۹۸، «بررسی نظریه هیرشی در کنترل اجتماعی، از دیدگاه احادیث»، فصلنامه *اسلام و مطالعات اجتماعی*، دوره هفتم، ش ۳ (پیاپی ۲۷)، دی، ص ۱۳۵ - ۱۰۸.
۲۰. شعار، جعفر، ۱۳۹۷، *آئین شهرداری*، ترجمه معالم القربه فی احکام الحسبه، تهران، علمی فرهنگی.
۲۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، بی تا، *من لا یحضره الفقیه*، بیروت، دار صعب.
۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۳. عرفانیان، جواد، ۱۳۷۸، «رابطه بین صورت و معنی در فرایند شکل‌گیری مسجد»، *مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، گذشته، حال و آینده*، ویراستار محمدرضا قره‌چمنی، تهران، دانشگاه هنر.
۲۴. غفاری، غلامرضا، ۱۳۹۰، *سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی*، چ ۱، تهران، جامعه‌شناسان.
۲۵. کریمانی، علی‌اعظم، ۱۳۸۹، «رویکرد ایجابی به امنیت اجتماعی و نقش ناجا در تأمین آن»، *پژوهش‌نامه نظم و امنیت اجتماعی*، ش ۱۱، پاییز، ص ۱۳۲ - ۸۹.
۲۶. قیوم‌زاده، محمود و روح‌الله جهانگیری مقدم، ۱۳۹۳، «اخلاق‌مداری مبنای ارتقای حقوق شهروندی»، فصلنامه *پژوهش‌های اخلاقی*، دوره پنجم، ش ۱۸، زمستان، ص ۹۹ - ۸۷.

تأثیر بازدارندگی اخلاق اسلامی در ایجاد فضای امن شهری □ ۴۹

۲۷. کلانتری خلیل آباد، حسین، مهدی حقی و محسن دادخواه، ۱۳۹۳، «مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی»، دوفصلنامه *نقش جهان*، دوره چهارم، ش ۱، بهار و تابستان، ص ۲۶ - ۱۷.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *اصول کافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. کوزر، لویس، ۱۳۸۰، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی.
۳۰. گنجی، حمزه، ۱۳۹۵، *روان‌شناسی عمومی*، تهران، ساوالان.
۳۱. گیدنز، آنتونی و فیلیپ ساتن، ۱۳۹۵، *جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
۳۲. لاتدین، رابرت ویلیام، ۱۳۷۸، «نظریه‌ها و نظام‌های روان‌شناسی»، ترجمه محمدعلی قاسمی، فصلنامه *مطالعات راهبردی*، سال هشتم، ش ۳، ص ۳۱۰ - ۲۸۱.
۳۳. لحمیان، رضا، ۱۳۹۶، «بررسی رابطه وضعیت کالبدی - فضائی و وقوع جرم (نمونه موردی: بابل)»، فصلنامه *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ش ۲۵، بهار، ص ۲۲ - ۱.
۳۴. مازلو، آبراهام اچ، ۱۳۷۶، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۵۴، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث.
۳۶. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۵، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، چ ۱۵، تهران، مؤسسه فرهنگی دار الحدیث.
۳۷. مرتضی، هشام، ۱۳۸۷، *اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام*، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۳۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۷، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۲، *تفسیر نمونه*، چ ۳۲، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴۰. ملتفت، حسین و جابر مولایی، ۱۳۹۷، «بررسی رابطه دین‌داری و گرایش به جرم (مورد مطالعه: جوانان شهر دره‌شهر)»، فصلنامه *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، دوره هفدهم، ش ۳۹، بهار، ص ۱۳۶ - ۱۲۱.
۴۱. ملکی، یدالله، ۱۳۹۵، «شهر و امنیت اجتماعی از منظر آموزه‌های دینی»، فصلنامه *آمایش محیط*، دوره نهم، ش ۳۳، شهریور، ص ۱۵۳ - ۱۳۳.
۴۲. مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۱۳۹۸، *مثنوی معنوی*، چ ۳، تهران، عقیل.
۴۳. نقی‌زاده، محمد، ۱۳۸۶، *ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی*، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

۵۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، دوره ۱۶، پاییز ۱۴۰۲، ش ۶۱

۴۴. نقی‌زاده، محمد، عمید الاسلام ثقة‌الاسلامی و سعید بشیری، ۱۳۹۲، «فرایند طراحی فضای شهری بر مبنای اصول زیبایی‌شناختی ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: میدان وحدت اسلامی تهران)»، فصلنامه *مطالعات شهر ایرانی*، ش ۸۸، بهار، ص ۵۱ - ۴۱.

۴۵. ولی‌زاده اوغانی، محمدباقر و اکبر ولی‌زاده اوغانی، ۱۳۹۵، «اخلاق همسایه‌داری و حقوق همسایگی در نظام معماری و شهرسازی اسلامی ایران»، *مجله مهندسی فرهنگی*، سال دهم، ش ۸۶، زمستان، ص ۷۳ - ۵۴.

۴۶. ولی‌زاده اوغانی، محمدباقر و سید ساجد همایون، ۱۴۰۰، «چالش‌های معماری و شهرسازی ایران از منظر اخلاق اسلامی (بررسی تطبیقی معماری سنتی و معاصر)»، فصلنامه *مهندسی ساختمان و علوم مسکن*، دوره چهاردهم، ش ۱، فروردین، ص ۱۱ - ۱.

47. Renauer, Brian C., 2007, Reducing Fear of Crime, Citizen, Police, or Government Responsibility? *The Journal of Police Quarterly*, No. 10 (1), P. 41 – 62.

